

آن چه پس از انقلاب ۱۳۵۷ اسباب زحمت دکتر منزوی شد، ترجمه و نشر آثار و افکار گلدزیهر آلمانی بود. انقلابیون از همین رهگذر، تألیف کتاب ۲۳ سال را هم به اشتباه به او نسبت دادند و از دانشگاه اخراجش کردند. کتاب ۲۳ سال در شمار کتب ضاله است و زندگی و تعلیمات پیامبر اسلام را از نگاه مخالفان، به شیوه‌ی توده‌یی‌ها تحلیل و از لنین و اندیشه‌های کمونیستی تجلیل کرده است. البته این کتاب، تألیف دکتر منزوی (یا علی دشتی) نبود. اصل تألیف، متعلق به یک کمونیست عراقی به نام «معروف الرصافی» (درگذشته‌ی ۱۹۴۵ م) است که آن را کمونیست‌های عراقی، در زمان ریاست‌جمهوری احمدحسن

دکتر علینقی منزوی، استاد مسلم فرهنگ، تاریخ و ادب و نسخه‌شناس پیشکسوت که نخستین مقاله‌ی ارزشمند او زینت‌بخش ماهنامه‌ی حافظ شماره‌ی ۳ (خرداد ۱۳۸۳) شد، در ۲۳ مهرماه ۱۳۸۹ بدرود زندگی گفت. وی فرزند ارشد زنده‌یاد علامه آقابزرگ تهرانی صاحب الذریعه بود که متن اجازه‌ی حدیث آن بزرگ به پدر زنده‌یاد من (= سید علینقی امین) در حافظ ۷۴ (مهر ۱۳۸۹) به خط خود آن بزرگمرد، همراه اجازه‌ی حدیث صادره از استاد ما مرحوم استاد سید محمد مشکوة برای دکتر مهدی محقق به خط خود آن مرحوم چاپ شده بود.

به یاد

منزوی

سید حسن امین



مهندس همایون خرم - دکتر علینقی منزوی - بروفسور حسن امین

البکر در بغداد چاپ کردند و نسخه‌یی از آن هم به‌دست علی دشتی (سفیر وقت ایران در بیروت) افتاده بود. دشتی که خودش هم سابقه‌ی طلبگی داشت، آن کتاب را با تغییراتی به فارسی درآورد و در این کار، شاید از منزوی هم که در آن سال‌ها ساکن بیروت بود، کمکی گرفته بود. دشتی، نسخه‌یی از این کتاب مجهول‌العنوان و مجهول‌المؤلف را به دکتر محمد عاصمی و همکارانش که نشریه‌ی کاوه را در آلمان چاپ می‌کردند و اکثر آن‌ها هم سابقه‌ی توده‌گری داشتند، داد که آن‌ها هم بدون ذکر نام نویسنده یا مترجم آن را چاپ کردند. این کتاب، پس از باگرفتن جمهوری اسلامی، در شمارگان بالایی در اخل و خارج چاپ شد و به زندانی شدن علی دشتی و دکتر منزوی انجامید. قرائن اتهام منزوی هم، یکی آن بود که یکی از برادرانش از

دکتر علینقی منزوی در ۱۳۰۰ شمسی / ۱۹۲۱ میلادی در سامره (عراق) متولد شد. آثار او عبارتند از: تصحیح و تعلیقه بر الذریعه، تصحیح و انتشار اشارات و تنبیهاات ابن‌سینا، فرهنگ‌نامه‌ی عربی به فارسی، چاپ ایضاح المقاصد فی شرح حکمه عین القواعد (با همکاری سید محمد مشکوة)، چاپ فهرست الکتب و الرسائل تألیف مجدوع اسماعیلی، قیام زنگیان در سده‌ی سوم و تأثیر آن در حقوق و فقه اسلامی، نامه‌های عین‌القضات همدانی، ابن‌کمنه و فلسفته فی النبوه، تاریخ طبقات اعلام الشیعه، منجد الاعلام، همکاری در تدوین سه جلد اعلام الذریعه، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی مرکزی تهران، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌های مجلس، نسخه‌های کتابخانه‌ی مدرسه سپهسالار و...

افسران توده‌یی اعدام شده در زمان شاه بود. علاقه‌ی منزوی به گلدریهر هم مشهور بود و...
به باور ما، اولاً، در کلیات و کبرویات که همانا تاریخ اسلام و سیره‌ی پیامبر باشد، باید به‌طور مستند و عالمانه - نه براساس احساسات و گرایش‌های جناحی - کتاب نوشته شود. ثانیاً، درباره‌ی مؤلف و مترجم کتاب ۲۳ سال هم باید به‌طور دقیق و محکمه‌پسند پدیدآورندگان شناسایی و اعلام شوند.

۳- سوگ‌گیاد

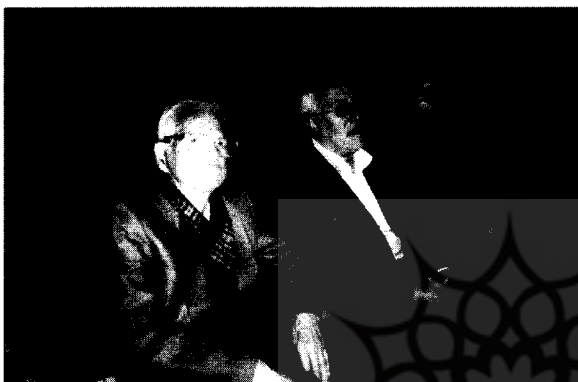
من به منزوی احترام می‌گذاشتم و در روز چهارشنبه ۵ آبان ۱۳۸۹ در دفتر دایره‌المعارف ایران‌شناسی برای او بزرگداشتی گرفتم. متن منثور و منظوم زیر را احمد لطیفی در سوگ دکتر منزوی در این مجلس قرائت کرد:

«در سوگ استاد دکتر علینقی منزوی، آن شرفمند شرافتمدار و شرافتمدار شرفمند، با که توان گفت تسلیت؟ دوستان! همیاران! سرورانی که قدم رنجه نمودید و مصیبت‌زده‌ها را کمک و یاری و همیاری و دلداری و با لطف، غم، از چهره زدودید، و بر رحمت و ایثار فرزودید، از این سوگ جگرسوز و بلاخیز و غم‌انگیز، فزون به ادبیات دل‌انگیز: «... سوگ این ضایعه و جامعه‌ی عظمی را تسلیت فرمودید...» گرچه حیرت زده، چون مجنون‌ایم، گرچه دل ریش و جگر سوخته و دل خون‌ایم، گرچه آشفته دل و محزون‌ایم، دوستان! همیاران! از همه ممنون‌ایم، جان فدایی قدم‌های شما، حمدخوانی و تسلا‌ی شما، ادبیات و انشای شما، مهرورزی و سنجایی شما، همگان شاد و سلامت باشید، شهداکامان باشید، شادمندی دراست باشید، راست قامت باشید، شادی روح استاد فراز، حضرت منزوی سرفراز، زنده‌یاد خوش‌نام، خواهشی این هنگام، هم‌چون استاد وزین «منزوی» فخر زمین، سرور نیک‌آیین، یاری «حافظ» و استاد امین»

سوگ‌نامه‌یی برای استاد دکتر علینقی منزوی

با صد دروغ و درد، فسوسا و حسرتا
از بوستانِ مامِ وطن سرو ناز رفت
دکتر «علینقی» و به فامیل «منزوی»
تا زیست سرفراز و همی سرفراز رفت
در سوگ ناگهانی وارسته‌ی زمان
بی‌چاره مانده است، ولی چاره‌ساز رفت

دردا! که آن محقق فرهنگ و معرفت
استاد با سنجیه و آن یگه‌تاز رفت
در جاده‌ی ادب و شرافت، طلایه‌دار
آن یگه‌تاز و پیشرو و پیشتاز رفت
انسان با سنجیه، گران‌سنگ و پارسا
آن صاحب کرامت و آن کارساز رفت
آن صاحب قلم که قسم خورد ربّ او
دردا، آسف، قلم‌زن گردن فراز رفت
صلح و صفا و صدق و سنجایی «منزوی»
دردا، به خلق، آن همه امتیاز رفت



دکتر علینقی منزوی (نفر اول دست چپ) در مجلس بزرگداشت زنده‌یاد دکتر محمدجواد مشکور در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی. استاد احمد منزوی (برادر دکتر علینقی منزوی) در ردیف پشت سر او دیده می‌شود. (عکس از: جواد پهلوانی)

آن دوستدار «حافظ» و همیار راستین
مشکل‌گشا، مشاور و آن اهل راز رفت
پرواز کرد، روح فرازش به آسمان
با ذکر ربّنا، به سوی بی‌نیاز رفت
شادی روح دکتر فرزانه «منزوی»
ذکر دعا و سوره‌ی حمد و نماز رفت
در سوگ «منزوی» ست‌غمین «پرفسور امین»
شرمنده‌ام که تیر غم جانگداز رفت
دل‌بستگان سبز دل «حافظ و امین»
همیآوری ز یار، به میل مجاز رفت
استاد منزوی نکوکار، درگذشت
الحمدخوان که سرور و سالار درگذشت